

بررسی نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط

امید اسلم بخش^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴)

چکیده

یکی از مسائل مورد اختلاف در بین فقهای شیعه، حکم سجده سهو برای هر زیاده و نقیصه است که یکی از روایات که در سلسله سند آن سفیان بن السمط وجود دارد در تعیین حکم مسئله نقش اساسی دارد. یکی از اشکالات سندی این روایت، مجهول بودن سفیان بن السمط است و طبق برخی مبانی برای رفع این مشکل باید نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان ثابت شود تا مشکل مجهول بودن سفیان بن السمط از بین برود. این نوشتار به بررسی همین نقل مستقیم می‌پردازد. در این میان محقق خوبی رحمه الله و نرم افزار درایة‌النور ۳ با استناد به روایاتی، نقل مستقیم را ثابت دانسته‌اند؛ اما در این نوشتار با توجه به شواهد و قرائن سندی و متنی نشان داده شد که احتمال سقط ابن عمیره در بین ابن ابی عمیر و سفیان بن السمط جدی است و لذا نمی‌توان به نقل مستقیم وثوق پیدا کرد. از طرف دیگر با بررسی طبقه کسانی که از سفیان بن السمط روایت کرده‌اند، این گمان حاصل می‌شود که ابن ابی عمیر در طبقه‌ای نبوده که مستقیماً از سفیان بن السمط روایت کرده باشد. در مجموع اگر ظن بر عدم نقل ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط حاصل نشود، ظن به نقل مستقیم او از سفیان بن السمط حاصل نمی‌شود.

کلید واژه‌ها: سفیان بن السمط، ابن ابی عمیر، سجده سهو، زیاده و نقیصه، نقل مستقیم.

۱. دانشجوی دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و طلبه خارج تخصصی موسسه عالی فقه و علوم و اسلامی، قم، ایران.
aslambakhsh@rihu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل مورد اختلاف در بین فقهای شیعه، حکم سجده سهو برای هر زیاده و تقیصه است. در این بین یکی از دو روایتی که وجوب سجده سهو بر اثر هر زیاده و تقیصه را ثابت می‌کند، روایت سفیان بن السمط از امام صادق (ع) است و روایت دیگر ارسال غیر قابل حل دارد. لذا بررسی سندی روایت سفیان بن السمط، نقش تعیین کننده‌ای در حکم مسئله وجوب سجده سهو برای هر زیاده و تقیصه دارد.

روایت سفیان بن السمط در تهذیب، چنین است: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: تَسْجُدُ سَجْدَتِي السَّهُوِ فِي كُلِّ زِيَادَةٍ تَدْخُلُ عَلَيْكَ أَوْ نَقْصَانٍ وَمَنْ تَرَكَ سَجْدَةً فَقَدْ نَقَصَ» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲/ ۱۵۵). در استبصار نیز این روایت عینا آمده و تنها فقره «وَمَنْ تَرَكَ سَجْدَةً فَقَدْ نَقَصَ» ذکر نشده است (شیخ طوسی، الاستبصار، ۱/ ۳۶۱).

از لحاظ سندی به این روایت اشکال شده که ارسال دارد و سفیان بن السمط مجهول است (موسوی عاملی، ۴/ ۲۷۸). در پاسخ به این اشکال، برخی گفته‌اند: ابن ابی عمیر از مشایخ ثلاث است و از کسانی است که در مورد ایشان آمده: «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» و هر چند فقره «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» تنها وثاقت کسی که ابن ابی عمیر مستقیما از او نقل روایت دارد (بعض اصحابنا) را ثابت می‌کند (طبق برخی مبانی) و لذا تنها اشکال ارسال را از بین می‌برد، اما چون ابن ابی عمیر مستقیما هم از سفیان بن السمط نقل روایت دارد وثاقت سفیان بن السمط نیز کشف می‌شود و اشکال مجهول بودن او از بین می‌رود (خویی، ۱۸/ ۳۶۱ و نرم‌افزار درایة النور، مدخل سفیان بن السمط).

با این توصیفات نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط اهمیت پیدا می‌کند. به همین مناسبت، این نوشتار به بررسی نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط می‌پردازد و سؤال اصلی آن این است که آیا ابن ابی عمیر به صورت مستقیم از سفیان بن السمط نقل روایت داشته است؟

این مسئله با وجود اهمیتی که دارد در مقالات گذشته مورد بحث قرار نگرفته است. حسب بررسی نگارنده، حتی در کتب گذشته نیز این مطلب کنکاش نشده و تنها محقق خوبی رحمه الله به صورت موجزی به آن پرداخته است. البته باید بر این نکته تأکید کرد که وثاقت اساتید مشایخ ثلاث نزد برخی از جمله محقق خوبی معتبر نیست و نتیجه این پژوهش برای کسی که وثاقت اساتید مشایخ ثلاث را نپذیرد، کارایی ندارد.

لازم به ذکر است آنچه از سفیان بن السمط در کتب ثمانیه رجالی موجود است منحصر به آنچه است که در رجال برقی و رجال شیخ طوسی آمده است. ایشان در هر دو کتاب از اصحاب امام صادق (ع) ذکر شده است (برقی، ۱/ ۴۱؛ شیخ طوسی، رجال، ۱/ ۲۲۰). در رجال برقی در مورد او آمده: «سفیان بن السمط البجلی، بزازی کوفی عربی» (برقی، ۱/ ۴۱) و در رجال شیخ طوسی «سفیان بن السمط البجلی الکوفی، أسند عنه» (طوسی، رجال، ۱/ ۲۲۰) گزارش شده است و اطلاعات دیگری از او موجود نیست. بر این اساس احتمالاً لقبش «البجلی» است و اهل کوفه است و به بزازی اشتغال دارد و عجم نیست.

ابن ابی عمیر از معاریف اصحاب است و از حیث طبقه در فهرست از اصحاب امام جواد و امام رضا (ع) و در رجال نجاشی و رجال کشی از اصحاب امام موسی بن جعفر و امام رضا (ع) و در رجال طوسی از اصحاب امام رضا (ع) و در رجال برقی از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) شمرده شده و نجاشی زمان وفات او را سال ۲۱۷ هجری قمری ذکر کرده است (نجاشی، ۳۲۷).

در این نوشتار، بر اساس بررسی سندی و متنی روایات نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط و نیز بررسی طبقه راویان از سفیان بن السمط و مقایسه آن با طبقه ابن ابی عمیر به حل مسئله مذکور پرداخته شده است.

روایات نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط

حسب فحوص نگارنده در منابع نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور، در دو نقل زیر، ابن ابی

عمیر مستقیما از سفیان بن السمط روایت دارد:

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَالْأَخْذُ مِنَ الشَّارِبِ وَغَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (کلینی، ۵۰۴/۶؛ حر عاملی، ۲/۶۰).

۲. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَقَالَ هُوَ نُشْرَةٌ» (حر عاملی، ۲/۶۱-۶۲).

نقل شماره دو در کتاب ثواب الاعمال چنین است: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرَةَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ [السَّمْطِ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَقَالَ هُوَ نُشْرَةٌ» (صدوق، ثواب الاعمال، ۱۹).

بررسی روایات نقل مستقیم

مشخصا وسائل، حدیث شماره دو را از ثواب الاعمال نقل کرده و در حالی که انتظار این است که سند وسائل و سند ثواب الاعمال، متحد باشند، بین دو سند، تهافت وجود دارد و احتمال تحریف و تصحیف بین سند ثواب الاعمال و وسایل وجود دارد. برای اثبات نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان، ناچار باید تکلیف تهافت سند وسائل و سند ثواب الاعمال را مشخص کرد؛ چرا که اگر درستی سند ثواب الاعمال به صورت پورنگی محتمل باشد، نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان در کتاب ثواب الاعمال مخدوش می‌شود و این خدشه می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان در کتاب کافی نیز بشود؛ چرا که بعید است که سفیان در مورد اثر غسل رأس با خطمی یک جا مفصل به شخصی به نام ابن ابی عمیر نقل کرده باشد و یک جا موجز به شخصی به نام ابن ابی عمیره (با توجه به ندرت این اسامی در بین روایات) و در نتیجه اتحاد سند کافی و ثواب الاعمال تا

راوی بعد از سفیان ثابت می‌شود؛ و در انتخاب بین سند کافی و سند ثواب‌الاعمال، اگر سند ثواب‌الاعمال برگزیده شود یا کار به اجمال بکشد، نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان در کافی ثابت نمی‌شود؛ و لذا دیگر روایتی که در آن ابن ابی عمیر به صورت قطعی مستقیماً از سفیان روایت کرده‌باشد، وجود ندارد.

در تعیین تکلیف تهافت سند ثواب‌الاعمال به چند نکته باید توجه نمود:

● نکته اول اینکه ابو ایوب به کثرت از ابن ابی عمیر نقل روایت دارد.
● نکته دوم، اینکه ابن ابی عمیر در بقیه موارد - که دو مورد است - با واسطه از سفیان نقل روایت دارد.

● نکته سوم اینکه ابن ابی عمیر به کثرت از سیف بن عمیره روایت دارد.
● نکته چهارم اینکه ابن ابی عمیر راوی پرتکراری است و طبیعی است که یک ناسخ اگر چیزی مشابه ابن ابی عمیر ببیند همان را بنویسد و زمانی ابن ابی عمیره را می‌نویسد که آنچه می‌بیند صریح در عمیره باشد.

حاصل این چهار نکته این است که احتمال صحت سند به صورت ابن ابی عمیر عن ابن عمیره عن سفیان بن السمط کاملاً معقول است و کاملاً محتمل است که ناسخ به ابن ابی عمیر نگاه کرده و ابن ابی را نوشته و دوباره که نگاه کرده ابن عمیره را دیده و لذا عمیره را بعد از ابن ابی نوشته باشد. با این حساب، احتمال مذکور پررنگ است. با وجود احتمال مذکور، در تعیین تکلیف بین سند کافی و ثواب‌الاعمال باید به سه نکته توجه داشت:

● نکته اول که قبلاً هم بیان شد این است که ابن ابی عمیر در بقیه اسناد - که دو مورد است - مستقیماً از سفیان نقل روایت ندارد.

● نکته دوم اینکه در دوازده روایت که ده تای آن از ابن عمیره تا معصوم (ع) مختلف است، سند به صورت «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن سیف بن عمیره یا عنه عن ابيه عن ابن ابی عمیر عن سیف بن عمیره» آمده است.

● نکته سوم که قبلا نیز اشاره شد اینکه ابن ابی عمیر راوی پرتکراری است و طبیعی است که یک ناسخ اگر چیزی مشابه ابن ابی عمیر ببیند همان را بنویسد و زمانی ابن ابی عمیره را می‌نویسد که آنچه می‌بیند صریح در عمیره باشد؛ حاصل این سه نکته این است که کاملا محتمل است که سند کافی نیز، در واقع «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن سیف بن عمیره (یا عن ابن عمیره)» باشد و به واسطه شباهت عمیر و عمیره چشم ناسخ دچار پرش شده و لذا سند فعلی در نسخه آمده است. با توضیحات فوق، واضح است که نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط مسلم نیست و لذا نمی‌توان از آن در جهت اثبات وثاقت سفیان بن السمط بهره جست.

بررسی طبقه‌ای

اشکال دیگری که بر نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط وارد است، از بررسی طبقه ابن ابی عمیر و روات سفیان بن السمط ناشی می‌شود. سفیان بن السمط تنها جزء رجال الصادق (ع) ذکر شده است (برقی، ۴۱؛ شیخ طوسی، رجال، ۲۲۰). حسب فحص نگارنده، راویان از سفیان بن السمط هشت نفرند که عبارتند از: عبدالله بن جندب (کلینی، ۲/۴۰۴؛ کلینی، ۶/۴۴۱؛ کلینی، ۶/۴۸۸ و...)، محمد بن ابی حمزه (صفار، ۳۱۸/۱؛ کلینی، الخصال، ۳/۴۲۰؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲/۲۴۴؛ شیخ طوسی، الاستبصار، ۱/۲۴۶)، محمد بن حمران (صفار، ۱/۳۱۷ و ۳۱۸؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۲/۱۶۰؛ شیخ مفید، ۲۶۰)، احمد بن رزین (کلینی، ۶/۳۳۰)، خالد بن محمد (کلینی، ۶/۳۶۲)، یونس بن یعقوب (صدوق، الخصال، ۱/۲۸۱)، محمد بن ابی عمیر (کلینی، ۶/۵۰۴؛ حر عاملی، ۲/۶۱-۶۲؛ حر عاملی، ۲/۶۰) و علی بن الحکم (کلینی، ۳/۴۹۳؛ کلینی، ۲/۲۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۳/۲۵۱). از این هشت نفر، چهار نفر یا فقط جزء رجال الصادق (ع) هستند و یا جزء رجال الصادق (ع) هم ذکر شده‌اند؛ دو نفر یعنی خالد بن محمد (نوه سفیان بن السمط) و احمد بن رزین جزء اصحاب هیچیک از ائمه (ع) ذکر

نشده‌اند و تنها از سفیان بن السمط روایت دارند. دو نفر که یکی همین ابن ابی عمیر است (نجاشی، ۳۲۶؛ کشی، ۸۵۴-۸۵۶؛ طوسی، الفهرست، ۴۰۳؛ شیخ طوسی، الرجال، ۳۶۵) و دیگری علی بن الحکم (شیخ طوسی، الرجال، ۳۶۱/۱؛ شیخ طوسی، الرجال، ۱/۳۷۶) از اصحاب ائمه (ع) ذکر شده‌اند؛ اما جزء اصحاب امام صادق (ع) ذکر نشده‌اند. با این حساب اگر نقل مستقیم علی بن الحکم از سفیان بن السمط، رد شود، احتمال نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط نیز بیشتر رنگ می‌بازد.

حسب فحوص نگارنده، روایات موجود از علی بن الحکم، با حذف مشابهات و در مجموع تفاوت سند و متن، ۱۳ روایت است که اسناد آن‌ها در زیر می‌آید:

- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۲/۴۰۴)
- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۶/۴۴۱)
- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۶/۴۸۸)
- عدة من اصحابنا عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۲/۴۵۲)
- عنه (محمد بن یحیی) عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۶/۵۱۹)
- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ الْبَجَلِيِّ (صدوق، معانی الاخبار، ۲۰۱)
- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن سفیان بن السمط (کلینی، ۲/۲۴)
- محمد بن یحیی عن محمد بن اسماعیل و أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن

سفیان بن السمط (کلینی، ۴۹۳/۳)

● أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ (طوسی، تهذیب الاحکام،

۲۵۱/۳)

در سه روایت اخیر، علی بن الحکم به صورت مستقیم از سفیان بن السمط، نقل روایت دارد؛ همچنین دو روایت اخیر متن متحد دارند. در شش روایت اول به مانند این سه روایت، احمد بن محمد از علی بن الحکم در وسط سند و سفیان بن السمط در انتهای سند قرار دارد، با این تفاوت که در شش روایت اول، بین علی بن الحکم و سفیان بن السمط، عبدالله بن جندب فاصل شده است. این امر، احتمال سقط عبدالله بن جندب در سه روایت اخیر که دو تا از آنها متن متحد دارند را به پیش چشم می‌گذارد.

همچنین در دو سند دیگری که در وسط آن، احمد بن محمد عن علی بن الحکم آمده و در انتها سفیان بن السمط قرار دارد، بین علی بن الحکم و سفیان بن السمط، اشخاصی فاصل شده‌اند. این دو سند عبارت است از:

● أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ الْمَسْلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رَزِينٍ عَنْ سُفْيَانَ

بِالنَّسَائِيِّ (کلینی، ۳۳۰/۶)

● عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ سُفْيَانَ بْنِ

السَّمْطِ (کلینی، ۳۶۲/۶)

این دو روایت، فی نفسه احتمال عدم نقل مستقیم علی بن الحکم از سفیان بن السمط را افزایش می‌دهند؛ اما در هر کدام خصوصیتی است که این به این احتمال شدت می‌بخشد. در سند اول بین علی بن الحکم و سفیان بن السمط، دو نفر فاصل شده‌اند و بعید به نظر می‌رسد وقتی شخصی با دو واسطه از کسی نقل روایت می‌کند بتواند مستقیماً هم از او نقل روایت داشته باشد.

در سند دوم هم علی بن الحکم از خالد بن محمد نقل روایت می‌کند و خالد بن محمد از جدش، سفیان بن السمط، تحمل روایت کرده است. این بدان معناست که علی بن الحکم

در طبقه شاگردان نوه سفیان بن السمط است و در چنین شرایطی بعید است که علی بن الحکم از سفیان بن السمط به صورت مستقیم نقل روایت کرده باشد.

گذشته از موارد فوق، در سه سند که در ابتدای آن عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن الحکم آمده و در انتهای سند، سفیان بن السمط قرار دارد، بین علی بن الحکم و سفیان بن السمط، عبدالله بن جندب فاصل شده است:

● عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۶۳۱/۲)

● عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن الحکم عن عبدالله بن جندب عن سفیان بن السمط (کلینی، ۵۳/۶)

● عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۱۴/۸)

شواهد فوق وقتی در کنار یکدیگر قرار می گیرند، احتمال نقل مستقیم علی بن الحکم از سفیان بن السمط را به شدت کاهش می دهد و لذا با توجه به آنچه قبلا بیان شد، این احتمال پررنگ می شود که تنها کسانی که جزء رجال الصادق (ع) بوده اند و یا اگر از اصحاب امام کاظم (ع) هستند، از رجال الصادق (ع) هم باشند، به صورت مستقیم از سفیان بن السمط نقل روایت داشته اند.

نتایج مقاله

پس از بررسی دقیق سند و متن روایات نقل مستقیم ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط مشخص شد که:

۱- نقل مستقیم، مسلم و یا اطمینان آور نیست.

۲- شواهد نشان می دهد که احتمال سقط ابن عمیره در بین ابن ابی عمیر و سفیان بن السمط قابل توجه است.

۳- با بررسی طبقه کسانی که از سفیان بن السمط روایت کرده‌اند، این گمان حاصل می‌شود که ابن ابی عمیر در طبقه‌ای نبوده که مستقیماً از سفیان بن السمط روایت کرده‌باشد. در مجموع اگر ظن بر عدم نقل ابن ابی عمیر از سفیان بن السمط حاصل نشود، ظن به نقل مستقیم او از سفیان بن السمط حاصل نمی‌شود.

کتابشناسی

۱. برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی (ج ۱)، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۰.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، مؤسسة احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸.
۳. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج ۱-۳)، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۴. صدوق، الخصال (ج ۱-۲)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۵. همو، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (ج ۱-۱)، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
۶. همو، معانی الأخبار (ج ۱-۱)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.
۷. همو، من لا یحضره الفقیه (ج ۱-۴)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۸. طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار (ج ۱-۴)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.
۹. همو، تهذیب الأحکام (ج ۱-۱۰)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۱۰. همو، الفهرست (ج ۱-۱)، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰.
۱۱. همو، رجال الطوسی (ج ۱-۱)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۷.
۱۲. کلینی، الکافی (ج ۱-۸)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۱۳. مفید، الإختصاص (ج ۱-۱)، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، ۱۴۱۳.
۱۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات (ج ۱)، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۵. کشی، اختیار معرفة الرجال (ج ۱-۱)، قم: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
۱۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الأحکام (ج ۱-۸)، مشهد: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱.
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی (ج ۱-۱)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵.

